یادداشت میهمان

فشار حداکثری با «موازنه وحشت و ترس»!

۱- خدا رحمت کند حضرت امام را، هنگامی که مسئولان نظام برای کسب تکلیف درخصوص اعزام ناوهای آمریکا به خلیج فارس در حمایت از رژیم بعثی عراق، خدمت ایشـــان رسیده بودند، با شجاعت تمام فرمودند «اگر من بودم با ورود اولین ناو آمریکایی، آن را هدف قرار می‌دادم تا ناو دومی جرات نکند وارد خلیج‌فارس بشود»!.حالا با تعبد به مکتب امام(ره) تنها راه مقابله با سیاست‌های جنگ‌طلبانه آمریکا و بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی و محاصره و منزوی کردن اسرائیل، فشـــار حداکثری با برقراری «موازنه وحشت و ترس» است. با طوفان‌الاقصی«موازنه وحشت» درخصوص موجودیت رژیم صهیونیستی ایجاد شده است. اما از این به بعد از نظر مقاومت هر کشتی و محموله‌ای که به مقصد اسرائیل بارگیری و حرکت کند، چه در مبدا و چه در مسیر و چه در مقصد، هدف مشروعی برای مقاومت خواهد بود، این یعنی«ایجاد موازنه ترس».

۲- مهم‌ترین راهبرد جبهه مقاومـــت پس از افزایش و به‌کارگیری قدرت نظامی، باید ایجاد ترس از هرگونه رابطه و تجارت با رژیم صهیونیستی و افزایش هزینه‌های آن از طریق تقویت و گسترش مقاومت دریایی و موشکی و پهپادی و به هر نحو ممکن دیگر باشد. باید همه دنیا و همه دولت‌های دور و نزدیک بفهمند که هرگونه کمک به دشمنان مقاومت و تجارت و مراوده با رژیم کودک‌کش اسرائیل هزینه دارد و باید این هزینه را بپردازند و آن قدر این هزینه زیاد باشـــد که با محاسبه هزینه-فایده در پازل منافع و امنیت ملی‌شان، هزینه‌های آنها بیشتر از فایده باشد. همان کاری که قبلا جمهوری اسلامی با زدن پهپاد گلوبال‌هاوک و پایگاه عین‌الاسد آمریکا و توقیف کشتی‌ها و نفتکش‌های اروپایی و به اسارت گرفتن نیروهای نظامی آنها در آب و فضا و خاک سرزمینی و فراسرزمینی خود، بازدارندگی مؤثر و پایدار مقتدرانه‌ای در خلیج‌فارس و آب‌های بین‌المللی ایجاد و اراده خود را بـــر آمریکایی‌ها تحمیل و در اوج تهدیدات و تحریم‌ها و جنگ اقتصادی آمریکا، با اقتدار نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری خود را روانه قاره آمریکا در بیخ گوش کاخ سفید کرد و به دلیل برقراری موازنه ترس نه تنها کشورهای متحد و تحت ســـلطه آمریکا بلکه خود آمریکا هم هیچ غلطی نتوانست بکند. همان کاری که مقاومت یمن با عربستان و امارات کرد، از جمله با زدن آرامکو چنان هزینه‌ای بر عربستان تحمیل کرد که نتوانست به جنگ ادامه دهد و مجبور شد به سوی جمهوری اسلامی متمایل شود.

۳- قبلا گفته بودیم که بعـــد از طوفان‌الاقصی مقاومت با برگ برنده‌های بیشـــتر روی میزش به یک «تهدید غیرقابل تحمل» برای آمریکا و اسرائیل تبدیل شـــده است. حالا گام به گام با رو شدن برگ برنده‌های جدید مقاومت، هم کشورهای حامی و هم دیگر کشورهایی که با اسرائیل رابطه و تجارت دارند، هزینه حمایت از رژیم صهیونیستی و هم خود رژیم صهیونیستی با محاصره و تحریم اقتصادی –نظامی هزینه‌های جنایات خود را خواهند پرداخت. چنان‌که در یک هماهنگی کامل بین میدان و دیپلماسی، امیرعبداللهیان در گفت‌وگوی تلفنی با همتای قطری هشدار داد «روزهای آینده برای رژیم صهیونیستی بسیار وحشتناک خواهد بود» و سردار سلامی گفت «روش مبارزه فلسطینی‌ها تغییر خواهد کرد و حتما سلاح در اختیار آنان قرار خواهد گرفت». و وزیر دفاع تاکید کرد «اگر جنگ ادامه پیدا کند، حامیان رژیم نژادپرســـت صهیونیستی قطعا تـــاوان حمایت خود را خواهند پرداخت». لذا پایگاه‌ها نظامی و خطوط انرژی و ترانزیتی و چاه‌های نفت و گاز و هواپیماها و ناوها و کشتی‌های تجاری- نظامی هر کشوری به سوی اسرائیل و حتی سفارتخانه‌های کشورهای حامی اسرائیل هدف مشروعی برای گروه‌های مقاومت عراق در خلیج‌فارس، برای مقاومت یمن و انصارالله در خلیج عدن و باب‌المندب و دریای ســـرخ و برای مقاومت لبنان و سوریه در دریای مدیترانه و برای گروه‌های مقاومت جهانی در دیگر نقاط دنیا خواهند بود. همان گونه که مقاومت یمن بعد از توقیف نفتکش‌های اســـرائیلی و حمله به ناوهای آمریکایی، ممنوعیت ورود کشتی‌های خارجی به اسرائیل را به اجرا گذاشت و هشدار داد « مالکیت کشتی‌ها اهمیتی ندارند، هر کشتی به مقصد اسرائیل هدف مشروع و قانونی ماست و از عبور آنها جلوگیری می‌کنیم و کشتی‌های اسرائیلی را نیز در دریای سرخ و از خلیج عقبه تا باب‌المندب به قعر آبها می‌فرســـتیم». انصارالله یمن با سعودی‌ها و اماراتی‌ها هم اتمام حجت کرد «اگر در حملات احتمالی اسرائیل به یمن دخالت کنید، همه چاه‌های نفت و گاز شما را هدف قرار می‌دهیم و همه کشتی‌های تجاری شما را نابود می‌کنیم»!. اما صحنه مسدود کردن مسیر چندین کشتی کانتینری شرکت اسرائیلی ZIM توسط کایاک‌سواران حامی غزه با پرچم فلسطین در ملبورن استرالیا جلوه‌ای از اراده گروه‌های مقاومت جهانی را به نمایش گذاشت!.

۴- چین و روســـیه قبل از این با واقع‌بینی دریافتند هرگونه همکاری با آمریکا و گســـترش روابط با رژیم صهیونیستی در نهایت تهدیدی برای امنیت و منافع ملی خودشان است و لذا در مثلث تهران- مسکو-پکن عملا در پازل سیاست‌های مقاومت قرار گرفته‌اند. روزنامه فایننشال تایمز گزارش داده است، چین سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های تجاری-اقتصادی خود در آمریکا را از رکورد ۴۸ میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۶ به ۲.۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ کاهش داده است. اینکه در شرایط کنونی هواپیمای حامل پوتین با اسکورت سوخو۳۵های روسی با هماهنگی کامل تهران در مسیر برگشت از عربستان، از آسمان ایران عبور و یک جنگنده ایرانی آن را تا مرز بدرقه می‌کند و بعد پوتین در دیدار با رئیسی می‌گوید «دوست داشتم هنگام عبور از آسمان ایران در فرودگاه تهران فرود بیایم» و رئیســـی پاسخ می‌دهد «ما آماده بودیم» معنی آن برای اهل فن نظامی بسیار معنادار است. حال همه کشورها با هر دلیل و هر سطحی از روابط با اسرائیل را می‌توان با تشدید موازنه ترس مجبور به تجدیدنظر در روابط سیاسی- اقتصادی و تجاری و حتی نظامی کرد، به طوری که با عملیات طوفان‌الاقصی اکثر کشورها مراحل اولیه برقراری موازنه ترس را حس کرده و در حال بیدار شدن و جرات پیدا کردن و زاویه گرفتن با آمریکا و اسرائیل هستند. چنان‌که ریاض اعلام کرد همه روندهای مربوط به عادی‌سازی با اسرائیل را متوقف کرده است. در شـــرایط کنونی تفاوت جمهوری اسلامی با عربستان این است که جمهوری اسلامی با ابزارهایی که در دست دارد، خود یک طرف بلامنازع بازی در منطقه است و به خوبی از منافع و امنیت ملی خود دفاع می‌کند، اما عربستان مجبور شده از موازنه منفی به موازنه مثبت برسد، یعنی آشکارا در میدان آمریکا بازی نکند و اقتدار و توان محور مقاومت را هم در هزینه-فایده منافع ملی‌اش محاسبه کند، این یعنی«زاویه گرفتن با آمریکا»!. مصر هم با هشـــدار به آمریکا و رژیم صهیونیستی، تهدید به قطع روابط با اسرائیل نموده و آذربایجان تلاش دارد با پذیرش توافقنامه صلح با ارمنستان به جنگی که براساس سیاست‌ها و مداخلات آمریکا و اســـرائیل رخ داده بود، پایان دهـــد. بعد از ترک اجلاس آب و هوائی ســـازمان ملل در دبی از سوی هیئت ایرانی، هیئت‌های عربستانی و قطری هم مجبور شدند نشست را ترک و سران این دو کشور به علت حضور رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی از سخنرانی خودداری کردند و امارات مجبور شد سخنرانی رئیس اسرائیل را لغو کند. بعد از اینکه پنتاگون اعلام کرده از ۱۷ اکتبر تاکنون در ۷۸ حمله به نیروهای آمریکایی در ســـوریه و عراق ۶۶ نفر کشته و زخمی شدند، برخی از سیاستمداران و مقامات کشورهای حامی اسرائیل و نهادهای بین‌المللی تحت سلطه آمریکا هم به علت تشدید فشار افکار عمومی و برقراری موازنه وحشت و ترس مجبور به موضع‌گیری علیه سیاست‌های کنونی اسرائیل شدند. دادستان لاهه اقدامات اسرائیل را جنایات جنگی اعلام می‌کند و برخی سناتورهای آمریکایی آشکارا اعلام می‌کند به تحویل بسته کمکی به اسرائیل رای مخالف دادیم تا علیه فلسطینیان در غزه استفاده نشود! نخست‌وزیر بلژیک هم می‌گوید در مورد غیرنظامیان در غزه نیز سخن بگویم تا مقبولیت و اعتبار خود را حفظ کنیم! و ۴۰۰ نفر از فلاسفه جهان با صدور بیانیه‌ای علیه حمایت هابرماس از اسرائیل، از جهانیان می‌خواهند علیه آمریکا و اسرائیل سکوت نکنند. حتی همین دبیرکل سازمان ملل که در دوبی با رئیس رژیم صهیونیستی عکس یادگاری گرفته بود تا حمایت خود از اسرائیل را به افکارعمومی القا کند، مجبور شد برای کاهش فشار افکارعمومی جهان با فعال کردن ماده ۹۹ منشور سازمان ملل برای اولین‌بار بعد از ۱۹۸۹، در نامه‌ای از شورای امنیت تقاضای برگزاری نشست فوری کند که خشم تل‌آویو را برانگیخت و آمریکا آن را وتو کرد!. اینها همه که مشتی نمونه خروار است، یعنی«به هم ریختن جدول سیاست‌های آمریکا در منطقه و زاویه گرفتن با سیاست‌های آمریکاست» که رهبرمعظم انقلاب فرمودند.

۵- نکته مهم در ایجاد موازنه وحشت و ترس این است که روزنامه اسرائیلی معاریو تیتر می‌زند «یحیی سنوار موفق شد در دل ما اسرائیلی‌ها رعب و وحشت ایجاد کند و به آن ادامه دهد». و نکته مهم‌تر به گفته رسانه‌های آمریکایی-غربی «بایدن از حملات و تهدیدات قوی‌تری و از درگیری تمام عیار با جبهه گسترده مقاومت می‌ترسد و به دلیل ناتوانی در مواجهه با یمنی‌ها، حملات آنها را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد»! لذا بخشی از رایزنی‌های روزهای اخیر تهران- مسکو -عربستان در سفرهای پوتین و رئیسی نیز تشدید همین موازنه وحشت و ترس است که رویترز بعد از این دیدارها نوشت «عربستان با فشار بر آمریکا، از بایدن خواسته در مقابل حملات انصارالله خویشتنداری کند چرا که ریاض از گسترش و تشدید جنگ در منطقه به شدت نگران است.»

۶- از حالا به بعد چه اسرائیل از جنون کشتار مردم مظلوم غزه دست بردارد و چه برندارد، جبهه مقاومت باید با گسترش سیاست موازنه وحشت و ترس به سمت کاهش عرضه و افزایش قیمت نفت پیش برود چه با سلاح‌هایش، آنگونه که پایگاه آمریکا در میدان نفتی کونیکو هدف پهپادهای مقاومت قرار گرفت و چه با دیپلماسی آنگونه که بخش مهمی از گفت وگوهای رؤسای جمهور ایران و روسیه در مســـکو و ریاض و دوبی کاهش تولید نفت بود که ضربه مهمی به آمریکا خواهد بود. ونزوئلا هم به شرکت‌های نفتی آمریکایی و اروپایی ۹۰ روز مهلت داده اســـت تا گویان را ترک کنند. تشدید تداوم توقف گاز به اروپا هم ابزار تشدید موازنه ترس برای حامیان غربی اسرائیل است لذا «موازنه وحشت و ترس» و «ســـلاح نفت» برگه برنده‌ای در دستان مقاومت است که می‌تواند سرنوشت اسرائیل را تعیین کند.

دکتر محمدحسین محترم

کیهان بررسی کرد

تفاوت ۲ دولت در مواجهه با فساد
یکی حمایت و لاپوشانی، دیگری برخورد قاطع

سرویس سیاسی-

در طی روزهای گذشته رسانه‌های زنجیره‌ای با اتهام زنی و حمله به دولت سیزدهم در پرونده فساد چای، سعی در تطهیر خود و سرپوش گذاشتن بر فسادهای کلان و ضررهای هنگفتی دارند که در دوران آنان بر کشـــور متحمل شد.

فرار بـــه جلـــوی همیشـــه یکی از راحت‌ترین واکنش‌ها در عالم سیاســـت در برابر انتقادات بوده و هســـت. به همین منوال سیاست مدعیان اصلاحات در مقابل انتقادات به سو مدیریت آنان، به بسترسازی آنان برای فساد، به ضررهای هنگفتی که بر بخش بخش کشور وارد ساختند، فرار به جلو بود.در کنار این روش، استفاده از روش دروغ گوبلزی و ذکر چندین بار یک دروغ به منظور القای آن بر جامعه خلاصه فعالیت این روزهای رسانه‌های زنجیره‌ای به شمار می‌آید. افرادی با سوار شدن بر موج پرونده چای دبش بر رئیســـی و دولت سیزدهم می‌تازند که غرق در فســـادهای مختلف بوده‌اند. دولت فعلی، فساد را کشف و با آن برخورد کرده است، در حالی که در دولت قبل شاهد بودیم که از فساد کشف شده، حمایت می‌شد و برخی دولتمردان، مفسدان را خـــط قرمز خود می‌نامیدند. مردم ایران رشوه‌های شـــهرام جزایری به کسانی که امروز با وقاحت و بی‌شرمی محض، عملکرد دولت سیزدهم را فسادزا می‌خوانند، از یاد نبرده و نمی‌برد. حمایت‌های آنان از فاسدان در هشت ســـال دولت اصلاحات و هشت سال دولت روحانی را فراموش نمی‌کنند. ژن خوب و ذخیره نظام نامیدن فرزندان و برادران و خواهران نالایق و فاسد مدیران و رؤســـا و وزرای دولت قبـــل را فراموش نمی‌کنند. مردم ایران فراموش نمی‌کنند که یکی از افرادی که بیشترین زمینه‌های فســـاد را در وزارت نفـــت در دوران دولت خاتمی رقم زد با حمایت روحانی مجددا به وزارت نفت رسید و باز هم مانند سابق زمینه فسادهای عظیم در حوزه نفت را ایجاد کرد.

فساد برای اصلاح‌طلبان ننگ نیست

شـــاید از نـــگاه آنهـــا، فســـاد، برای هم‌حزبی‌ها و هم قبیله‌ای‌ها نه تنها ننگ نیســـت، بلکه خیلی هم خوب است و اگر هـــم لو رفت، باید با چند کار نمایشـــی و فرمایشی ســـر وته قضیه را به هم آورد و موضوع را به بوته فراموشـــی ســـپرد! ولی ملت ایـــران ثروت‌های بادآورده میلیاردی همپیالگان مدعیان اصلاحات در شرایطی که این مردم در سخت‌ترین فشار اقتصادی قرار داشـــتند را فراموش نمی‌کنند. شاید آنان ســـعی در فراموشی تاریخ برای نسل جدید داشته باشند ولی شدت فساد دولت خاتمی که منجر به صدور فرمان هشـــت ماده‌ای رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۸۰ به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی از یاد نمی‌رود. ملت ایران بین دولتی که از فاســـدان و نجومی بگیرها و تازه به دوران رسیده‌ها حمایت می‌کند و دولتی که نه تنها با فاسدان برخورد قاطع و محکم داشته که با زمینه‌های فساد همچون ارز جهانگیری و واگذاری‌های بی‌ضابطه نیز برخورد کرده است تفاوت قائل هستند.

حمایت از فاسدان و فرار به جلو

مدعیان اصلاحات که همواره ســـعی داشـــته‌اند با فرار به جلو، از پاسخگویی در برابر ناکارآمدی‌ها و سو مدیریت خود فرار کنند و از توضیح در برابر فســـادهای خود طفره روند، در طی روزهای گذشته نیز با اتهام‌زنی به دولت سیزدهم در ماجرای فساد چای، با وجود اینکه این فســـاد با دستور محمد مخبر معاون اول رئیس‌جمهور در سال گذشته پیگیری و متوقف شد، سعی در جا انداختن این گزاره کذب و مضحک داشته‌اند که دولت‌های روحانی و خاتمی کمتریـــن میزان فســـاد اقتصـــادی را در میان دولت‌های پس از انقلاب داشته‌اند و دولت‌های سیزدهم و نهم و دهم رکورددار فساد در کشور بوده‌اند. این روزها رسانه‌های جریان غربگرا با تمرکز بر مسئله فساد چای، طوری فضاسازی کرده‌اند که گویا پرچم‌دار مبارزه با مفاسد اقتصادی هستند. این در حالی است که این طیف کارنامه سیاهی در این خصوص بر جای گذاشـــته است. گرچه این ادعا به قدری مضحک است که ارزش پاسخ نیز ندارد ولی نگاهی مختصر به فســـادهای کلان در دوران اصلاحات و در دوران ریاست جمهوری روحانی کذب بودن این ادعای مدعیان اصلاحات را عیان می‌سازد.

کرسنت، فسادی که صدای روحانی را هم درآورد

کرســـنت قراردادی بود که در دوران اصلاحات و وزارت بیژن زنگنه بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت کرسنت منعقد شد که پس از بررسی نهادهای نظارتی مشخص شد قیمت گاز صادراتی ایران بسیار ناچیز و در حد رایگان است. برای متخلفان این قرارداد در داخل کشور هم پرونده قضائی تشکیل شده است.

در پی توقف ایـــن قرارداد فاجعه بار، طرف مقابـــل اقدام به شـــکایت از ایران داشـــت. در این شکایت شـــرکت داناگاز آمده؛ قراردادی ۲۵ ســـاله توسط شرکت ملی نفت ایران و شرکت کرسنت پترولیوم در ســـال ۲۰۰۱ برای تأمین ۶۰۰ میلیون فوت مکعـــب گاز از طریق خـــط لوله به شارجه امارات امضا شد. بر این اساس قرار بود عرضه گاز در سال ۲۰۰۵ آغاز شود، اما شرکت ملی نفت ایران به دلیل اختلاف بر ســـر قیمت قرارداد از آنجا که قیمت گاز نســـبت به آن زمان افزایش یافته، به این قرارداد عمل نکـــرد. از ژوئن ۲۰۰۹ قرارداد فـــروش و خریـــد گاز (GSPC) بین دو شرکت تحت داوری بین‌المللی قرار دارد و کرسنت تاکنون به دنبال جبران خسارت چند میلیارد دلاری است.

این قرارداد مملو از فســـاد به قدری فاجعه بار بود که حتی حســـن روحانی به عنوان دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی، در آذرماه ۱۳۸۱ نامه‌ای اعتراض خطاب به رئیس‌دولت وقت(خاتمی) نوشت و اقدام وزیر نفت (زنگنه) در انعقاد قرارداد با شرکت اماراتی «کرســـنت» را بیرون از چارچوب قانـــون، از طریق «واســـطه» و دارای آثار منفی فراوان برای کشور دانست. روحانی در آن نامـــه تأکید کرده بود «عقد قرارداد طولانی گاز با شرکتی غیر معتبر که بنابر گزارش‌های دریافتـــی از وزارت نفت طی سال‌های گذشته عملکردی ضعیف و توأم با نادیده گرفتن حقوق ایران در ارتباط با میدان نفتی مبارک داشـــته، تکرار تجربه تلخی اســـت که ســـالیان دراز گرفتار آن خواهیم بود. قیمت و شـــرایط قراردادی مذاکره شـــده در مقایسه با منطقه بسیار پایین و غیرمطلوب است. قرارداد کرسنت احتمـــالاً آثار منفی اقتصادی درازمدت بر بازار گاز کشور خواهد داشت و هیچ منفعت سیاسی نیز در پی نخواهد داشت. از حدود یک سال پیش سؤالاتی از وزیر نفت درباره قرارداد کرسنت مطرح کرده‌ام که با وجود دستور شما، پاسخی دریافت نشده است... قرارداد مذکور از طریق واســـطه‌ها و عدم ارتباط مســـتقیم دولتی با یک شـــرکت غیرمعتبر به امضا رسیده است».

عجیب‌تر اینکه روحانی ۱۱ سال بعد، زنگنه را به عنوان ژنرال نفتی برای تصدی وزارت نفت دولت یازدهم معرفی کرد و با همین اقدام ضرری به مراتب ســـنگین‌تر در ســـیر پرونده شـــکایت از شرکت ملی نفت ایران بر سر قرارداد کرسنت بر کشور تحمیل کرد.

فسادهای متعدد در دوران وزارت زنگنه در زمان اصلاحات و دولت روحانی

در اوایل سال ۸۵ خبری در رسانه‌های بین‌المللی منتشر شد که حاکی از پرداخت رشـــوه ۱۵ میلیون دلاری این شرکت به یکـــی از مقامات نفتی ایران در فازهای ۶، ۷ و ۸ پـــارس جنوبی بود. براین اســـاس شرکت استات اویل نروژ با واسطه مؤسسه مشاوره هورتون در لندن برای دستیابی به قرارداد توسعه فازهای ۶،۷ و ۸ پارس جنوبی در ســـال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ بـــه یکی از مقامات نفتی در ایران رشوه پرداخت کرده است. بر اساس سخنان ریچارد هابرد رئیس مستعفی هیئت‌مدیره شرکت استات اویل نروژ، یکی از اعضای شـــرکت استات اویل نروژ در نوامبر ۲۰۰۰ به ایران می‌رود و با مسئولان شـــرکت ملی نفت ایران دیدار می‌کنـــد تا بـــرای همکاری بـــا ایرانی‌ها ۷ پروژه را ارزیابی کنند؛ در این شرایط بود که کم کـــم باب ارتبـــاط مهدی هاشـــمی رفسنجانی با اســـتات اویل باز شد. هابرد همچنان عنوان مـــی‌دارد طرف ایرانی بر کمک‌های عام‌المنفعه و مشارکت اجتماعی از سوی استات اویل در این قرارداد تاکید داشت. بنابراین باید یک راه‌حل قابل قبولی برای کمک‌های عام‌المنفعه پیدا می‌شـــد و یک تیم حقوقی باید همه موارد را ارزیابی می‌کـــرد تا برای دوطرف مشـــکلی پیش نیاید. از ایـــن رو رفت و آمدها و مکالمات زیـــادی بین مقامات ایرانی و نروژی انجام شـــد که در برخی از موارد نیز وزیر نفت ایران حضور داشت و شاهد مکالمات ما بود.

نکته جالب توجه این است که پیشنهاد پرداخت رشـــوه نه از سوی شرکت استات اویل بلکه از ســـوی طـــرف ایرانی مطرح شد و اســـتات اویل به دلیل پرداخت این رشـــوه در نروژ و آمریکا مجـــازات و برای مدتی نیز از فعالیت آن در بورس‌های این دو کشور محدود شد. در حالی مطبوعات نروژ ماجرای شـــرم‌آوری از رشوه گیری از سوی برخی از مقامات نفتی ایران را منتشر می‌کنند و به موجب آن مسئولان شرکت اســـتات اویل به رشوه دادن اعتراف کرده، تمام فعالیت‌های آقازاده ایرانی با حمایت و ضمانت وزیر اسبق نفت بیژن زنگنه در آن دوره انجام شده است، اما در ایران هیچ واکنش محکمی نسبت به این رشوه‌خواری صورت نگرفت.

شاهکار و فسادی دیگر در دوران ژنرال! زنگنه، این‌بار توتال

یکی دیگر از پرونده‌های مملو از فساد مدعیان اصلاحات، مورد خاص شـــرکت فرانســـوی توتال بود. توتال که پیشـــتر در دوران دولـــت اصلاحات نیـــز اقدام به کلاهبرداری از ایـــران کرده بود، در زمان دولت روحانی و وزارت بیژن زنگنه، پس از گرفتن اطلاعات ذی قیمت و سری از ایران، از اجرای قرارداد خود در حوزه پارس جنوبی شانه خالی کرد و عجیب این که در قرارداد توتال، حتی پیش‌بینی امکان شکایت و اخذ خسارت هم نشده بود.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

وقتی متهمان خسارت‌های برجام فرافکنی می‌کنند

«مجلس فعلی نگذاشت ۱۰۰میلیارد دلار به جیب مردم ایران برود». این تیتر را ســـایت انصاف‌نیوز براساس اظهارات ظریف منتشر کرد و از قول او نوشت: اگر مصوبه «قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها نبود، ترامپ در ســـال ۲۰۲۱ به برجام بازمی‌گشت، ایران نفت می‌فروخت و تحریم‌ها برداشته می‌شد».

انصاف‌نیوز به نقل از تارنمای روزنامه ستاره صبح، سخنان محمدجواد ظریف را منتشر کرده که به نقل از او آمده است: مجلس فعلی با مانع‌تراشی بر سر برجام، ایرانیان را از ۱۰۰میلیارد دلار محروم کرد.

به گزارش انصاف‌نیوز، ظریف این سخنان را در جمع زندانیان سیاسی پیش از انقلاب بیان کرده و مشـــخص نیست می‌دانسته قرار است سخنان او رسانه‌ای شـــود یا نه، ولی علی صالح‌آبادی مدیرمسئول روزنامه ستاره صبح، خود دبیرکل انجمن زندانیان سیاســـی پیش از انقلاب و قطعا از حاضران جلســـه بوده است. ظریف گفته است:

- اگـــر مجلس یازدهم نبود، مردم به ۱۰۰میلیارد دلار منافع برجام دســـت پیدا می‌کردند.
- اگر مصوبه قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها نبود، ترامپ در سال ۲۰۲۱ به برجام بازمی‌گشت، ایران نفت می‌فروخت و تحریم‌ها برداشته می‌شد.
- مجلس یازدهم بدترین مجلس پس از انقلاب است.
- دنیا با دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی ماهیتاً فرق کرده اســـت ولی ما همچنان مشـــابه آن دوره فکر می‌کنیم و نتیجه‌اش وضعیت کنونی شده که نه به نفع کشور است و نه به نفع مردم.
- چین وقتی قرارداد ۲۵ساله را با ایران امضا کرد گفت محرمانه بماند زیرا ما تعهدی نداده بودیم و چین با این قرارداد با دیگر کشورها برای جذب منافع بازی می‌کرد».

درباره این سخنان گفتنی است؛ اگر ایران از امتیازات وعده داده شده و مورد تعهد دولت روحانی محروم شـــد، مسئول اول آن شخص آقای روحانی و سپس آقای ظریف هستند که به جای تاکید بر توافق پایاپای و همزمان و متوازن و دارای تضمین و مکانیسم شکایت و دریافت خسارت، توافقی مبتنی بر واگذاری امتیازات آنی و نقد، و دریافت وعده‌های نسیه و فاقد تضمین را امضا کردند و سپس به اجرا گذاشـــتند. بنابراین اگر مسئول خسارت‌های این توافق- هرچند میلیارد یا چند صد میلیارد دلار که عنوان شد- خود این افراد هستند و نه هیچ فرد و نهاد دیگر.

ثانیا، دولت روحانی دو سال پس از عهدشکنی آمریکا و اروپا همچنان در حال اجـــرای یکطرفه برجام بود و اگر قـــرار بود قبل از مصوبه بازدارنده مجلس بتواند آمریکا و اروپا را به بازگشـــت به تعهدات‌شـــان مجاب کند، در آن دوره باید انجام می‌داد. این در حالی اســـت که مصوبه مجلس، واکنشـــی توأم با تأخیر و در واقع پرکننـــده تیم مذاکره‌کننده بود. قانون مجلس ضمنا قید کرده بود که در صورت بازگشت غرب به تعهدات، ایران هم از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای را به تعلیق درمی‌آورد. متأســـفانه دولتمردان مقصر در دولت غرب، از این‌جا به بعد داستان را تعمدا تحریف می‌کنند. بدین معنا که اگر احیای برجام عملی نشـــد، به خاطر استنکاف از لغو مؤثر و بی‌بهانه تحریم و عدم ارائه تضمین معتبر درباره عدم تکرار عهدشـــکنی بود. عبرت‌آموز این که شمار تحریم‌ها در دولت روحانی بیش از دو برابر شد و ایران دیگر حاضر نبود به آمریکا درباره مکانیسم ماشه برجام دسترسی مجدد بدهد، آن هم در حالی که موضوع لغو تحریم‌ها و تضمین آن حل نشده بود.

پایه‌گذاری ولو با تأخیر قرارداد ۲۵ساله با چین، در دولت روحانی انجام گرفت اما جدی گرفته نشد. به همین دلیل هم موضوعاتی مانند فروش نفت در دوران تحریم یا واردات واکســـن و... هم که امکان‌پذیر بود، بر زمین ماند. به اذعان خود آقای ظریف در آخرین گزارش به مجلس: «اگر در مورد ضرورت کار متوازن با شرق و غرب به یک اجماع ملی رسیده بودیم و با خوش‌خیالی، دوستان دوران سختی را در سراب طمع سرازیر شدن شرکت‌های غربی از خود نرنجانده بودیم، دوستان‌مان سرخورده نمی‌شدند و در دوران سختی رهایمان نمی‌کردند».

زبان‌درازی پس از سال‌ها رفاقت با مفسدان دانه درشت

روزنامه زنجیره‌ای اعتماد می‌گوید ریشـــه فساد، قیمت‌گذاری و امتیازات و انحصارات دولتی است، و تنه آن، قیمت‌گذاری روی نیروی انسانی و حذف افراد صاحب صلاحیت از تصدی امور است، و شاخ و برگ آن، فقدان نهادهای نظارتی رسمی و غیر رسمی است.

این روزنامه در تحلیلی که به قلم محکوم پرونده «فروش اطلاعات به بیگانگان» منتشـــر شده، نوشت: «رکن اصلی سیاست‌های فسادزا، قیمت‌گذاری بر کالا، ارز و پول اســـت. یک شیوه دیگر قیمت‌گذاری بر نیروی انسانی است. در واقع بدون آزمون رقابتی، روی نیروهای انسانی قیمت یا ارزش‌گذاری می‌شود و نیروی انسانی بی‌ارزش را قیمت بالا می‌گذارند و آن را جذب نظام اداری می‌کنند و این یکی از اصلی‌ترین عوامل فسادآفرین است.

شـــاید بتوان گفت که ریشه سیاستگذاری‌های رانت‌محور و فسادزا نیز وجود همین نیروهای بی‌ارزشی اســـت که قیمت‌گذاری نجومی شده‌اند. ارزش‌گذاری واقعی بر نیروی انسانی از طریق رقابت قابل سنجش و انجام است ولی اینجا این روش انجام نمی‌شود.

... مشکل این عامل فقط در فساد نیست، بلکه در اتلاف منابع نیز هست. به نظر من اتلاف منابع از فساد بدتر است...

بدترین مورد دولتی اســـت که هم فســـاد داشته باشد و هم ناکارآمدی مثل ســـال‌های ۸۴ تا ۹۲. این‌گونه نیروهای قیمت‌گذاری‌شـــده از عوامل اصلی اتلاف منابع و فساد هستند. تفاوت قیمت‌گذاری در کالا و ارز و پول و نیروی انسانی در این اســـت که قیمت کالا و ارز را خیلی پایین‌تر از بازار تعیین می‌کنند و قیمت نیروی انســـانی را خیلی بالاتر از قیمت واقعی می‌گذارند و خودشان به نام دولت آن را می‌خرند و به استخدام خود درمی‌آورند!!

متاســـفانه اغلب پرونده‌های فســـاد در ســـال‌های اخیر بیش از آنکه ماهیت قضایی داسته باشند، معطوف به انگیزه‌های سیاسی بوده‌اند. نحوه برخورد دولت و طرفدارانش را در همین ماجرای چای دبش ببینید، برای اثبات ادعای سیاسی بـــودن کفایت می‌کند. اســـتقلال قضایی و تحت امر بودن ضابطان دادگســـتری مفهومی گســـترده و دقیق اســـت و با برداشت‌های ســـطحی که در ایران از این مفهوم می‌شـــود فاصله فراوانی دارد. بدون استقلال قاضی و نهاد قضایی، عدالت محقق نمی‌شود و هر گونه کوششی برای مقابله با ظلم، بی‌عدالتی و فساد، فقط آب در هاون کوبیدن است.

کافی است برنامه‌های مبارزه با فساد را که در چند سال پیش در زمان ریاست قبلی قوه انجام شد و فراتر از قوانین آیین دادرسی افراد را محاکمه و حتی اعدام کردند به یاد بیاوریم. آیا آن رفتار خلاف قوانین متعارف، توانســـت جلوی فســـاد را بگیرد؟ آیا آن رفتار معطوف به هدفی سیاســـی برای زدن دولت قبل و تامین پیش‌زمینه‌ای سیاسی برای آمدن دولت بعد نبود؟

جامعه ما فاقد گردش آزادی اطلاعات اســـت و رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران نیز امنیت کافی برای پیگیری فســـادها ندارند... بدون آزادی رسانه و امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، مبارزه با فساد یک شعار پوچ است.

فساد میوه درختی است که ریشه آن سیاست‌های فسادزا و به‌طور مشخص قیمت‌گذاری و امتیازات و انحصارات دولتی است، تنه آن، قیمت‌گذاری روی نیروی انسانی و حذف افراد صاحب صلاحیت از تصدی امور است و شاخ و برگ آن فقدان نهادهای نظارتی رسمی و غیر رسمی است».

نمی‌دانیم باید از مدیر روزنامه اعتماد باید پرسید که چرا محکوم پرونده فروش اطلاعات به بیگانگان را تحلیلگر اقتصادی جا زده؟ یا از نویسنده باید سؤال کنیم چرا در روزنامه‌ای دم از مبارزه با فساد می‌زند که عکس کله پاچه‌خوری مدیر آن با شهرام جزایری (مفسد بزرگ دوره خاتمی) در فضای اینترنت قابل دسترس است؟!

اما از «من قال» و «منقل» (محل نقل) بحث و ادعا که بگذریم، به «ما قال» می‌رسیم. مدعیان اصلاح‌طلبی که بر خلاف مشی و مرام‌شان، ادعاهای‌شان آسمان را ســـوراخ می‌کند، باید پاســـخ دهند نرخ‌گذاری ۴۲۰۰ تومانی ارز و حراج رانتی ۱۸ میلیارد دلار در دولت متبوع‌شـــان، با کدام منطق انجام شـــده؟ و بانیان آن، شایستگان تراز مدیریت محســـوب می‌شوند؟! مدیرانی که در دولت‌های موسوم به اصلاحات و سپس اعتدال و تدبیر، به فسادهای هنگفت زنجیره‌ای دامن زدند، کجای تحلیل باسمه‌ای روزنامه اعتماد جا می‌گیرند؟! به چند نمونه از این فسادهای زنجیره‌ای عنایت کنید: مفاسد هنگفت چند ده میلیارد دلاری در قراردادهای نفتی و گازی کرسنت و استات اویل و توتال، رانت‌های هنگفت ارزی در دولت روحانی، خصوصی‌سازی‌های بی‌حساب و کتاب و رانتی در پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها، نیشکر هفت‌تپه، کشـــت‌وصنعت مغان، ماشین‌سازی تبریز، آلومینیوم اراک، حقوق‌های نجومی، مفاسد حسین فریدون و شرکا و دختر و داماد و نزدیکان برخی وزرا و...

گردانندگان و نویسندگان روزنامه اعتماد در تمام سال‌های وقوع این مفاسد یا حتی پس از انتشار آن مُرده بودند که زبان به انتقاد و اعتراض بگشایند و مثلا بپرسند برادر فلان مسئول ارشد دولت قبل در چه فرآیند و با داشتن چه صلاحیتی، دســـتیار ارشد شده بود و در عزل و نصب‌های رانتی، ن